



## نشریه خبری

سازمان مجاهدین خلق ایران

شماره ۲

۲۲ آبان ماه ۱۳۵۳

\* اصفهان - نمونه ای از بیمه کارگران مورد انحاء رژیم: در یکی از بیمارستان های اصفهان، کارگری که از شدت درد به خود می پیچید چنین می گفت: «من در کارخانه پروین کار می کردم. موتوری در حین کار ترکید و دست و کمرم را شکست. من را به بیمارستان آوردند. دکتر بیمه که طرفدار کارخانه دار بود نوشت فقط دستش شکسته است و کمرم را ننوشت. صاحب کارخانه هم ۱۰۰ تومان کف دستم گذاشت و مرا اخراج کرد. حالا از درد کمر و دست از کار کردن عاجزم، نمی دانم چه باید بکنم. تا آخر عمر فلج خواهم بود، چه کسی به فریادم خواهد رسید؟!»

\* تهران - فرار ناموفق یکی از انقلابیون اسیر: انقلابی دلیر هادی حکیمی که برای دادگاه تجدید نظر اخیراً به دادرسی ارتش برده شده بود، طی يك طرح حساب شده تصمیم به فرار می گیرد، ولیکن در جریان اجرای طرح دوباره دستگیر می گردد.

هادی حکیمی چندی پیش به جرم داشتن دو قبضه سلاح و همچنین به اتهام عضویت در يك گروه انقلابی مسلح دستگیر شد و در دادگاه بدوی به حبس ابد محکوم گردید. هادی حکیمی در دادگاه تجدید نظر طرحی را برای فرار تهیه کرده بوده است که به مورد اجرا می گذارد، بدین ترتیب که در دادرسی ارتش از نگهبان می خواهد که به دستشویی برود و با استفاده از يك فرصت مناسب با سر به شکم نگهبان کوبیده او را به گوشه ای پرتاب می کند و خود با سرعت راه فرار به بیرون را در پیش می گیرد. و حتی خود را به بالای میله های فاصل بین خیابان و دادرسی ارتش نیز می رساند. اما در اینجا پاسبانی که در تعقیب او بوده موفق می شود که خود را به او رسانده او را دستگیر نماید. هادی حکیمی هنوز در کمیته بسر می برد.

\* تهران - رژیم زندانیان سیاسی را به تدریج منتقل می کند: اخبار رسیده از زندان ها حاکیست که رژیم تصمیم دارد که زندانیان سیاسی شهرستان ها را بتدریج به تهران منتقل سازد. این تغییرات به دنبال شکست طرح رژیم مبنی بر پخش کردن زندانیان سیاسی و جلوگیری از تمرکز آنها در مرکز صورت می گیرد. پس از دستگیری های وسیع سال ۵۰، دشمن تصمیم گرفت تا با پخش کردن زندانیان سیاسی در شهرستان های مختلف از تمرکز همه آنها در مرکز و در نتیجه امکان تماس آنها با یکدیگر و تبادل تجارب و خودسازی جلوگیری نماید. لیکن عملاً آنچه به دنبال این طرح پیش آمد نقشه های دشمن را عقیم گذارد. کادرهای ورزیده سازمان های انقلابی پس از انتقال به زندان های شهرستان ها با توجه به کنترل پلیسی نسبتاً خفیف تر زمینه مساعدی برای آموزش و تربیت مبارزین سیاسی شهرستان ها در درون زندان یافتند. علاوه بر این ضعف نسبی کنترل پلیسی دشمن بر زندانیان سیاسی در شهرستان ها منجر به حوادثی چون فرار انقلابی برادر مجاهد محمد تقی شهرام و پیوستن برادر مجاهد ستوان امیرحسین احمدیان به صفوف مجاهدین گردید.

به دنبال این تجارب است که دشمن بار دیگر تصمیم به جمع کردن زندانیان سیاسی در مرکز می گیرد. با این تفاوت که این بار تصمیم دارد تا با شیوه های جدید کنترل پلیسی در زندان با تمام نیرو از تماس سازنده زندانیان سیاسی و انقلابیون اسیر با یکدیگر جلوگیری بعمل آورد.

هم اکنون خبر می رسد که زندان های وسیع جدیدی در اوین ساخته شده است که گنجایش برخی از آنها به ۲۰۰۰ نفر بالغ می گردد. از طرف دیگر زندان قصر مشمول تقسیم بندی های جدیدی بر مبنای میزان محکومیت زندانیان شده است، تا بدین وسیله کنترل زندانیان و محدود کردن تماس های آنان با یکدیگر آسان تر باشد.

در کنار این ها فشارهای جسمی و روانی بر زندانیان سیاسی افزایش یافته است. به هنگام ملاقات زندانیان مراقبت شدیدی از طرف پلیس به عمل می آید تا از هرگونه تبادل اخبار جلوگیری شود. دشمن از این لحاظ از انتقال این اخبار به بیرون زندان و افشا شدنش ممانعت می کند، زیرا از عکس العمل خلق و خانواده های زندانیان سیاسی بیمناک است. چه در گذشته پیوسته چنین بوده

است، که این عکس‌العمل‌ها همیشه به افشا هرچه بیشتر ماهیت ضد مردمی رژیم و نیز هرچه بیشتر سیاسی شدن طبقات و افشار مختلف خلق کمک کرده و حمایت معنوی و مادی برای انقلابیون به همراه داشته است.

\* بلوچستان - طبق اخبار رسیده از بلوچستان، نیروهای دولتی شدیداً راه‌های ارتباطی این منطقه را تحت کنترل دارند و کلیه ماشین‌ها در ابتدای جاده متوقف شده، هر ۲۰ ماشین را با هم و در حالی که بوسیله ژاندارم‌ها اسکورت می‌شوند، در جاده به حرکت درمی‌آورند. این اقدامات به دنبال حادثه ای انجام می‌شود که اخیراً در یکی از جاده‌های زاهدان (احتمالاً در جاده زاهدان - کرمان در نزدیکی زاهدان) بوقوع پیوسته است. شرح حادثه از این قرار است که گروهی از بلوچ‌ها به مدت چند ساعت جاده را بسته و اموال سرنشینان حدود ۲۰ ماشین اتوبوس، کامیون و سواری را مصادره می‌کنند.

گفته می‌شود که کسانی که دست به چنین اقدامی زده‌اند، از بلوچ‌های طایفه «شه‌بخش» می‌باشند. این طایفه در شرایط اقتصادی بسیار بدی بسر می‌برند. یکی از مسافرائی که اموالش مصادره می‌شود از یکی از مصادره‌کنندگان می‌پرسد، چرا شما چنین کاری را می‌کنید؟ وی جواب می‌دهد، از گرسنگی و بی‌چیزی.

طایفه «شه‌بخش» از دیرباز از مخالفین رژیم بوده‌اند. یکی از روسای این طایفه به دنبال زد و خوردهائی که با ژاندارم‌ها داشته، به صورت یاغی زندگی می‌کرده است. ژاندارم‌ها به کمک مزدورانی از طایفه «نارویی» که مخالف طایفه «شه‌بخش» هستند، مخفی‌گاه وی را کشف کرده او را به قتل می‌رسانند. طایفه «نارویی» برخلاف طایفه «شه‌بخش» از طوایفی است که روسای آن با رژیم موافق بوده و همکاری می‌کند، علت اصلی اختلاف بین طایفه «شه‌بخش» و «نارویی» نیز همین امر است.

شه‌بخشی‌ها با وضع بسیار بد زندگیشان و همراه با آن، قرار گرفتن در جریان خبرهای مربوط به مبارزات بلوچ‌های پاکستان، از کشته شدن رئیس خود بدست رژیم، انگیزه بسیار مناسبی برای شورش بدست آورده‌اند.

\* آبادان - دستگیری‌های وسیع: اخیراً ساواک دست به دستگیری‌های نسبتاً وسیعی در آبادان زده است. گفته می‌شود که تعداد دستگیرشدگان به ۲۰۰ نفر بالغ می‌گردد. از جمله دستگیرشدگان مابشری (مدیر مدرسه) و دهقان (پیشه‌ور) می‌باشند. اغلب دستگیرشدگان از دانش‌آموزان دبیرستان‌ها هستند. دستگیرشدگان عموماً نسبت به جنبش مسلحانه سمپاتی داشته و آن را تبلیغ و از آن حمایت می‌نموده‌اند.

\* تهران - اعتراض دانشجویان به اقدام ارتش: روز نهم مهرماه گذشته اعلامیه‌ای حاوی اعتراض دانشجویان دانشکده فنی به پذیرش دانشجو از ارتش در کتابخانه این دانشکده نصب شده بود. ارتش اعلام داشته است که کسانی که در کنکور سراسری مجموع نمرات آنها به بیش از ۴۰۰ می‌رسد، می‌توانند با تعهد ده سال خدمت در ارتش در یکی از دانشکده‌های فنی، علوم، پلی تکنیک و علم و صنعت ثبت نام کنند. این افراد همچنین می‌توانند در ارتش پانسیون شده و از درجات نظامی بهره مند گردند. اعلامیه‌های دست‌نویسی که چهار روز متوالی روی دیوار کتابخانه نصب شده بود، حاوی اعتراض دانشجویان به این اقدام ارتش بود. یکی از هدف‌های رژیم در فرستادن دانشجویان ارتشی که قبلاً تعهدات بسیاری به رژیم سپرده‌اند. وارد کردن عناصر اعتصاب‌شکن در صفوف دانشجویان است. انتخاب دانشکده‌های ذکرشده نیز به روشنی پرده از روی این هدف ضد مردمی رژیم بر می‌دارد. زیرا دانشکده‌های نامبرده غالباً میدا اعتصابات و تظاهرات و اقدامات ضد رژیم در دانشگاه می‌باشند.

\* قم - توقیف فیلم و دستگیری هنرپیشه آن: چندی قبل فیلم «یاران» در سینمای قم به نمایش گذاشته می‌شود که مزدوران ساواک به طرز وحشیانه‌ای در فاصله بین دو سانس به سینما هجوم برده و فیلم را توقیف می‌نمایند. این فیلم گوشه‌هائی از زندگی خلق ستمدیده ما را نشان می‌دهد. فیلم «یاران» در گذشته نیز يك بار در سینما کاپری تهران به نمایش گذارده شد که هنوز چند روزی از نمایش آن نگذشته، از طرف رژیم توقیف گردید.

یکی از بازیکنان اصلی این فیلم داریوش خواننده معروف است. وی به دنبال توقیف فیلم یاران در قم به اتهامات دروغ و فریبکارانه قاچاق مواد مخدر از طرف ساواک دستگیر و روانه زندان گردیده است. از ترانه‌های معروف داریوش «ترانه گل گندم» می‌باشد که مضمون آن زندگی رقت بار دهقانان ایران و افشای اصلاحات ارضی شاه مزدور می‌باشد.

\* عمان - يك عمل نظامی شهری در عمان: طبق گزارش خبرگزاری‌ها، روز پنج‌شنبه دهم آبان ماه جاری يك کشتی دولتی رژیم مسقط در یکی از شهرهای جنوبی عمان به نام «نزوه» مورد هجوم گروهی از انقلابیون قرار گرفته است. انقلابیون در این هجوم موفق می‌شوند که دو تن از نیروهای دولتی را کشته و ۳ تن دیگر را زخمی نمایند. در این عملیات انقلابیون از يك ماشین استفاده کرده‌اند که بر روی آن شماره «شارجه» نصب بوده است. انقلابیون پس از اجرای عملیات بدون برجای گذاردن هیچ‌گونه ردپائی به سلامت موفق به ترك منطقه می‌شوند.

حکومت مزدور عمان به دنبال این عملیات قهرمانانه برای پیدا کردن انقلابیون و یا ردپای آنها جایزه‌ای به مبلغ ۱۰ هزار ریال عمانی یا ۱۱ هزار لیره استرلینگ تعیین کرده است.

اهمیت این خبر در این است که در شرایطی که یکی از مسائل عمده انقلاب عمان کشتن جنبش مسلحانه به شهرهای داخلی عمان می‌باشد، این عملیات اولین عملیاتی است که نشانه عملی به تحقق پیوستن این هدف به شمار می‌رود.

\* عمان - پیوستن یکی از نظامیان ارتش قابوس به انقلابیون پس از یک عملیات قهرمانانه: طبق اخبار رسیده در اوایل آبان ماه جاری، یکی از درجه داران ارتش سلطان قابوس مزدور از گروه «عاصف» طبق یک عملیات متهورانه به روی فرمانده گروه و معاون او آتش گشوده آنان را به قتل رسانیده است، به دنبال آن به صفوف انقلابیون جبهه خلق برای آزادی عمان پیوسته است.

\* عمان - شهادت یکی از رهبران انقلاب عمان: جبهه آزادی‌بخش عمان اعلام داشته است که رفیق مبارز علی الهنائی معروف به احمدعلی عضو کمیته مرکزی اجرائی جبهه در روز ۱۴ آبان ماه جاری همراه با دو تن دیگر از رزمندگان جبهه در یک درگیری با نیروهای دشمن در منطقه ای در شمال عمان به شهادت رسیده‌اند جبهه آزادی بخش عمان در بیانیه‌ای درباره این درگیری می‌افزاید که درگیری در جریان اجرای یک عملیات نظامی بسیار مهم در داخل عمان به وقوع پیوسته است. متعاقب این عملیات که منجر به شهادت رفیق احمدعلی گردید. رژیم مزدور قابوس دست به اقدامات وسیع پیگرد و دستگیری در شهرها زده است.

- نمونه ای از حمایت مردم از پیشگامان مسلح خویش: از آن زمان که سازمان‌های انقلابی مسلح بوسیله عمل انقلابی خویش و بروز کارائی و خلاقیت خود نمونه‌هایی از قدرت فناپذیر خلق را در برابر قضاوت خلق قرار دادند، خلق ما نیز متقابلاً بیش از آن که گروه‌ها و سازمان‌های انقلابی انتظارش را داشتند، حمایت مادی و معنوی خویش را در اختیار پیشگامان مسلح خود قرار داده است. آن چه از حمایت مادی بتوان به عنوان شاهد این گفته عرضه کرد چیزی فراتر از این نمی‌تواند باشد که به بقا و گسترش و تکامل روزافزون سازمان‌های انقلابی در سراسر کشور و همچنین این حقیقت که این امر علت اصلی‌اش چیزی جز حمایت مادی و معنوی خلق نمی‌تواند باشد توجه کنیم.

در زیر اعلامیه‌ای را که بنام «جنبش اصناف روشنفکر ایران» به مناسبت بزرگداشت خاطره شهادت چهار تن از فرزندان انقلابی راستین خلق، به میزان قابل توجهی در ایران پخش گردیده است به عنوان نمونه ای از حمایت معنوی مردم از پیشگامان مسلح خویش می‌خوانید. از انتشار این اعلامیه چند ماه می‌گذرد ولی ما به منظور انعکاس نمونه‌ای از حمایت بی دریغ خلق از پیشگامان مسلح خود قسمت‌هایی از این سند را پخش می‌کنیم، در شماره‌های آینده نمونه‌های بیشتری از این اسناد را منتشر خواهیم کرد.

بنام خدا و بنام خلق ستمدیده ایران

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون

مپندارید کسانی که در راه خدا کشته شدند مرده‌اند بلکه در حقیقت زنده‌اند و به بهره مندی نزد پروردگار خویش ادامه می‌دهند

خلق ایران خاطره چهار تن از شهیدان سی فروردین ۵۱ را با قلب‌های جریحه‌دار خویش جاودانه می‌دارد. امپریالیست‌های بین‌المللی به کمک رژیم دست‌نشانده و جنایتکار پهلوی سال‌هاست که به غارت و تجاوز به منابع اقتصادی - فرهنگی و اخلاقی ما پرداخته‌اند. کشور ما با وجود منابع عظیم نفت و سایر معادن سرشار زیرزمینی در ردیف کشورهای فقیر و عقب‌مانده جهان است و علی‌رغم تبلیغات وسیع رژیم که هر روز دم از پیشرفت و رسیدن به مرز تمدن بزرگ می‌زند هر روز شاهد بدبختی‌ها و مشکلات تازه‌ای هستیم. رژیم بوسیله توسعه شبکه رادیو و تلویزیون و تبلیغات روزنامه‌ها و جرائد و سینما که نقش تخدیر کننده افکار عمومی را به عهده گرفته‌اند به کوشش زیاد به تبلیغ فرهنگ سرمایه‌داری و توسعه فکر مصرف‌مشغولند و بدین ترتیب مردمی که از تهیه مایحتاج اولیه زندگی ناتوانند به سوی مصرف هرچه بیشتر تولیدات سرمایه‌داری سوق می‌دهند. رژیم ننگین آریامهر هر روز کلام تازه‌تری در راه وابستگی هرچه بیشتر ایران به کشورهای استعماری برمی‌دارد. سرمایه‌گذاری‌های کلان سرمایه‌داران بیگانه در قسمت‌های مختلف صنعتی و کشاورزی موجب بهره‌کشی هرچه بیشتر آنها از خلق‌های ستمدیده ایران شده است.

شاه جنایت‌پیشه با قانون ضدانقلابی و ضد دهقانی تقسیم اراضی و همچنین ملی کردن آب‌ها و مراتع به سود دربار موجبات تسلط روزافزون سرمایه‌داران و بانکداران داخلی و خارجی را بر کشاورزان و دامداران مملکت فراهم کرده است که نتایج شوم آن عبارتست از فلج شدن دامداری و کشاورزی و تولید مواد غذایی و هجوم بیش از پنج میلیون از روستائیان جوان و بیکار به سوی شهرها و قطعی و کمبود مواد غذایی و ترقی سرسام‌آور قیمت‌ها مواد خوراکی که طی سالیان دراز تولید می‌کردیم و

حتی به کشورهای دیگر صادر می نمودیم، از گندم، روغن، کره، پنیر، قند و شکر گرفته تا سایر مواد از قبیل سیمان و غیره را از خارج وارد می کنیم.

بر اثر ضربه های سختی که آریامهر منفور بر دهقانان ایران زده تولیدات کشاورزی ضعیف شده و با فشارهای مختلفی که بر آنها وارد آورده عدم تأمین نیازهای اولیه آنها موجب گشته هزاران روستائی از دهات خود فرار کرده و به نقاط و شهرهای دیگر کوچ کنند که این خود مشکلات جدیدی از قبیل بیکاری، تمرکز جمعیت در شهرها و کمبود مسکن و مواد غذایی را فراهم کرده است.

رژیم کثیف آریامهر برای منحرف کردن افکار عمومی و برای اینکه مردم متوجه علت اصلی محرومیت ها و رنجها نگردند و دامن آلوده خود را نیز پاک سازد و برای غارت بیشتر خلقها علاوه بر مالیاتهای سنگین و کمرشکن که از طبقه ستمدیده و ضعیف جامعه می گیرد پدیده تازه تری را نیز تحت عنوان اتاق اصناف بوجود آورده و با انداختن گناه قحطی و گرانی که ناشی از سیاست شوم خود او در کشاورزی و دامداری است گناه را به گردن کاسب های بیچاره انداخته و آنها را عامل اصلی این نابسامانی ها معرفی می کند و اتاق اصناف با حمایت دادگاه های نظامی و گرفتن جریمه های سنگین نقدی و زندانی نمودن آنها فشار خود را بر طبقات پائین اجتماع تشدید کرده است. ترقی قیمتها تا ۴۰ و ۶۰ درصد و در پاره ای از اجناس تا سه برابر قیمت تحدید زندگی مردم است در رخساره مردم آثار رنج و ضعف و کسالت و بیماری و ناراحتی های فکری که نمودار فقر و محرومیت و سوء تغذیه و کمبود مواد غذایی و ... آشکار است. در زمستان سختی که گذشت صدها نفر از نفر از مردم ستمدیده ما از سرما و مرض تلف شدند و صدها نفر بر اثر مخروبه بودن خانه های خود زیر آوار رفتند و کشته شدند. در فروردین گذشته مردم غرب دچار سیل و بی خانمانی شدند و مزارع آنها زیر آب رفته و صدها نفر از آنها کشته و زخمی شدند. سال های سال است که مرتب مردم خوزستان در دچار سیل می شوند و خسارات و تلفات سنگین می دهند و همه ساله دولت وعده سد سازی و سیل بند می دهد. ای لعنت بر آریامهر دزد!!

با وجود این همه مشکلات طاقت فرسا هر سال میلیاردها دلار خرج خرید سلاح های خارجی و سایر بودجه های سنگین نظامی می نماید و این خود علاوه بر کمک و رونق دادن به بازارهای کشورهای استعماری در جهت ژاندارمی منطقه برای امپریالیست ها و سرکوبی خلق های منطقه می باشد. کمک و همکاری دولت ایران با رژیم خانن ملک حسین برای کشتن هزاران فلسطینی در سپتامبر سیاه و ارسال کمک به اسرائیل و مخالفت و کارشکنی در اعتصاب اعراب مبنی بر ارسال نفت و کارشکنی و جبهه گیری در مقابل علیه اعراب مبنی بر مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم و همکاری و کمک با ارتجاعیون منطقه و همچنین لشکرکشی به عمان و سرکوبی خلق ظفار و فرستادن کمک به اتیوپی برای کشتن انقلابیون مسلمان اریتره و کمک به پاکستان برای سرکوبی خلق بلوچ و جبهه گیری در مقابل خلق های انقلابی جهان همه و همه از نقش تجاوزگرانه و ژاندارمی آریامهر خونخوار است.

از نظر فکری نیز کشور ما عقب نگهداشته شده و دشمن از طریق رادیو، تلویزیون، سینما، روزنامه ها و مجلات و کتاب های درسی افکار عمومی را تخریب و منحرف کرده و از جهش فکری خلق جلوگیری می کند. کشور ما از نظر انتشار کتاب های مفید و نشریات و سخنگویان مسئول و متعهد کاملاً سانسور است و نمی گذارند مردم آگاه شوند. جوانان روشن و مجاهد ما را به زندان های طویل المدت و اعدام می کشانند شماره زندانیان و شهداء ما وحشتناک است زندان ها از عزیزترین و پاکترین جوانان روشنفکر خلق پر است. اخلاق جامعه ما اکنون به فساد کشانیده شده است اسلام آریامهر که صدبار بدتر از اسلام یزید و پدر تاجدارش معاویه است رواج یافته و بدین وسیله مردم مستعصف ما را تحمیق می کنند.

آری خونی که در سی فروردین ۵۱ از عزیزان خلق ناصر صادق - علی باکری - محمد بازرگانی - و علی میهن دوست به زمین ریخت توانست اندکی از زنگاری را که اسلام به خود گرفته بود پاک سازد و اثبات کند که تنها راه از بین بردن زنگار خون است (توجه شما را به متن دفاعیان آنها جلب می کنیم) و اکنون نوبت من و توست که این راه را ببیمائیم. اکنون که خلق معتقد گشته که تنها راه منطبق زور است و باید با منطق زور به جنگ کسی رفت که جز زور چیز دیگری نمی فهمد. باید متشکل شد و مبارزه مخفی را پیش گرفت و با اصول علمی جنگ چریکی برای گرفتن حق خویش به پیش تاخت.

اکنون کسانی که مسئولیت جهاد مسلحانه آزادی بخش را بر دوش خویش احساس می کنند باید از مبارزات علنی و بی انضباطی امنیتی و جار و جنجال های بیهوده که جز لو رفتن و از بین رفتن نیروها چندان سود دیگری ندارد دست کشیده و به سوی مبارزات مخفی و تشکیلات رو آورند و در راه آمادگی و سازندگی خود برای نابودی دشمن بکوشند.

اذن للذین یقاتلون بأنهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدیر (اجازه جهاد و کشتن ظالمان و ستمکاران داده شد زیرا مردم از دشمن ستم کشیده اند و خداوند به حمایت و یاری خلق قادر است).

دروء گرم بر شهءا و مءاهدین خلق ایران

شكوفاء تر باد ءنبش مسلءانه خلقهائ ءء سءم و اسءءمار

مرء و نفءرء بر امپرئالئسم و صهئونئسم و سء ءنءئرئشان آراءمهر خونءوار

«ءنبش اصناف روشنفكر ایران»